

بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر تغییردین از اسلام به مسیحیت

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۲، شماره ۵: ۶۱-۳۹

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

مریم انصاری^۱

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

علیرضا شجاعی زند

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس

سارا شریعتی مزینانی

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

بذیرش: ۹۴/۶/۱۲

دریافت: ۹۳/۱۰/۲۶

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناخت عوامل موثر بر تغییردین از اسلام به مسیحیت شکل گرفت و به این پرسش‌ها می‌پردازد که چرا تغییردین از اسلام به مسیحیت در ایران رخ می‌دهد و فرایند تغییردین چگونه اتفاق می‌افتد. پژوهش به روش کیفی و با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه عمیق و مشاهده، تغییردین را در ۲۱ نمونه بررسی می‌کند. گرچه استراتژی نمونه‌گیری بر معیار سهولت دسترسی و دسترسی به نمونه‌ها به روش گلوله برفی بوده است، اما تلاش شده تا نمونه‌ها از تنوع کافی برخوردار باشند. چهارچوب مفهومی یا مفاهیم حساس‌ساز پژوهش، چون «زمینه»، «بحران»، «جستجو» و «مواجهه» همگی از نظریه لوئیس رمبو (۱۹۹۳) گرفته شده‌اند که حاصل تلفیق، اصلاح و تکمیل نظریه‌های تغییردینی پیش از خود است.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که وضعیت بحرانی، موتور آغاز فرایند تغییردین به شمار رفته و گروندگان را به جستجوی پاسخی برای خروج از وضعیت بحران‌زا سوق می‌دهد. «دین اجتماعی» یا درآمیختگی دین با زمینه اجتماعی زندگی گروندگان و سرایت تنش با محیط به دین، سبب می‌شود که دین اسلام نتواند در چنین مواقعی پاسخ‌گو و حمایت‌گر نیازهای گروندگان باشد. علاوه‌براین، تفاوت‌های ساختاری و محتوایی مسیحیت و اسلام به‌زعم گروندگان و پیوند این تفاوت‌ها با خلاءها و بحران‌های زندگی آنان و «آگزوتیسم» یا جذابیت امر متفاوت مسیحی، از دیگر دلایل تغییردین محسوب می‌شود. در نهایت با گروش به مسیحیت، موقعیت «حذف ادغامی» این افراد تشدید شده و هویتی متمایز به‌عنوان «دیگری مضاعف» می‌یابند.

واژگان کلیدی: تغییردین، گروندگان، بحران، دین اجتماعی، حذف ادغامی، دیگری مضاعف،

آگزوتیسم

۱ پست الکترونیکی نویسنده رابط: maryamansari@gmail.com

مقدمه

در هر جامعه‌ای معمولاً انسان‌ها با دین پدران‌شان زاده شده و با همان دین دنیا را ترک می‌کنند. به‌طور سنتی، آشکال دینی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و بدون تغییر باقی می‌مانند. در واقع بیش از آنکه دینداری، امری پیش‌اندیشیده و حاصل کنش‌های انتخابی فرد باشد، زاده شرایط و موقعیت اوست. از این‌رو، با وجود این که شدت و حتی انواع دین‌داری افراد ممکن است در طول دوران زندگی تغییر کند و افراد دوره‌هایی از دین‌داری شدید تا بی‌تفاوتی کامل را تجربه کنند، اما تعداد کسانی که به فکر تغییر دین و برگزیدن دین دیگری می‌افتند، بسیار کم است. به تعبیر گیدنز، در عصر مدرنیته تاملی^۱ به نظر می‌رسد حیطه دین هم تبدیل به حیطه‌ای تاملی و بازاندیشانه شده است و از همین رو شاهد رشد فزاینده جنبش‌های دینی جدید و بعضاً تغییر دین^۲ میان سنت‌های بزرگ دینی هستیم.

ایران کشوری دینی است که موقعیت دین در آن، بسیار تعیین‌کننده بوده و از زمان انقلاب اسلامی در سال ۵۷ با تحکیم پیوند میان دین و قدرت، بر تاثیرگذاری هر چه بیشتر دین در عرصه عمومی افزوده شده است. با این حال، در همین جامعه و به‌رغم فقدان آمارهای رسمی، مسلمانان یا مسلمان‌زادگانی هستند که به ادیان دیگر خصوصاً مسیحیت می‌پیوندند. در قالب ادبیات جامعه‌شناسانه، می‌توان این مساله را چنین بسط داد که اسلام یکی از عناصر برساننده هویت مشروعیت‌بخش^۳ ایرانیان است. هر چقدر گروهش به اسلام به‌عنوان دین مدعی ختم ادیان الهی، پسندیده و تشویق شده، به همان اندازه خروج از آن نکوهیده و مذموم شمرده شده است.

بنابراین در ایران، گروهش از اسلام به دینی دیگر کاملاً در اختفا صورت گرفته، حتی المقدور آشکار نشده و جلسات منظم گروهی جهت عبادت یا گپ و گفت دوستانه کمتر میسر است که علل سیاسی و اجتماعی مانند سخت‌گیری از جانب حکومت و فشارهای اجتماعی حتی از

1 Reflexive modernity

۲ تغییر دینی (religious conversion) عنوان عامی است که به گستره‌ای از تغییرات از ارتداد تا عرفی‌شدن اطلاق می‌شود. تغییر دین یا گذر سنتی فقط یکی از اشکال موجود تغییر دینی است.

۳ هویت مشروعیت‌بخش: این هویت توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آن‌ها را بر کنشگران گسترش دهد و عقلانی کند (کاستلز، ۱۹۸۰: ۲۴).

سوی خانواده و آشنایان دارد. از این‌رو، پیوستن به گروه مذهبی متفاوت در ایران برخلاف آنچه عموماً از دلایل گروه محسوب می‌شود نه تنها با افزایش چشم‌گیر در سرمایه‌های اجتماعی شخص همراه نیست بلکه حتی فرد ممکن است از سوی گروه مذهبی پیشین طرد شده و آن‌ها را هم از دست دهد. اینکه چرا علی‌رغم منع قانونی و شرعی و تحمیل هزینه‌ای سنگین بر گروندگان هم‌چنان تغییر دین رخ می‌دهد، آن‌را به کنشی تامل برانگیز و مسأله‌ای جامعه‌شناختی^۱ برای ما بدل ساخته است.

پرسش‌های تحقیق

این تحقیق، به تغییر دین افراد از اسلام به مسیحیت می‌پردازد. ما برآنیم تا با ترسیم چگونگی وقوع تغییر دین، به تبیین چرایی آن بپردازیم؛ زیرا پرسش‌های مبتنی بر چرایی و چگونگی درهم‌تنیده‌اند و دانستن چگونگی این اتفاق ما را در فهم بهتر چرایی آن یاری می‌کند.

پرسش اصلی این پژوهش این است که چرا در ایران تغییر دین از اسلام به مسیحیت رخ می‌دهد؟ در حالی که به تبع ساختار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران و ویژگی‌های دین اسلام، با انواع تنگناهای اجتماعی مواجه می‌گردد؟ ذیل این سوال محوری، پرسش‌های دیگری نیز می‌توان طرح کرد:

- گروندگان چه زمینه اجتماعی دارند و نقش آن بر تغییر دین گروندگان چیست؟
- فرایند تغییر دین چگونه اتفاق می‌افتد؟
- ارزیابی گروندگان از دین قبلی خود چیست؟
- ارزیابی گروندگان از دین جدید خود چیست؟
- تغییر دین چه پیامدهایی برای گروندگان دارد؟

توجه به شرایط اجتماعی متفاوت ایران، ما را از کاربست تام نظریات موجود در حوزه تغییر دین در پاسخ به این سوال که چرا تغییر دین در ایران رخ می‌دهد، باز می‌دارد. از این‌رو،

۱ نورمن بلیکی میان مسأله اجتماعی و مسأله جامعه‌شناختی تمایز قائل می‌شود. مسأله اجتماعی وضعیتی است که توسط جامعه‌شناس یا سیاستمدار به عنوان وضعیت نامطلوب مورد قضاوت قرار می‌گیرد و نیازمند نوعی مداخله برای بهبود یا حل مسأله است. مسأله جامعه‌شناختی معمایی است که از نظر یک جامعه‌شناس باید حل شود. یعنی برای درک و تبیین آن بکوشد (بلیکی، ۱۳۸۴: ۷۰).

تلاش شده است با اتکا به منطق کیفی و اکتشافی و اجتناب از طرح پیشینی فرضیات و اتخاذ چارچوب نظری ثابت، به بررسی اکتشافی این حوزه بکر و دست‌نخورده در ایران بپردازیم تا پس از مطالعه میدانی و دقیق ابعاد قابل‌دسترسی از واقعیت، تبیینی متناسب با شرایط این پدیده اجتماعی در ایران ارائه دهیم.

چهارچوب مفهومی

در روش کیفی برای مطالعه زمینه‌های اجتماعی به‌جای شروع پژوهش از نظریه‌ها و آزمون آن‌ها، به مفاهیم حساسیت‌برانگیز نیاز است. چهارچوب مفهومی یا مفاهیم حساسیت‌برانگیز پژوهش از نظریه لوئیس رمبو جامعه‌شناس دین آمریکایی صاحب اثر «درک تغییردینی»^۱ گرفته شده که در نظریه‌اش گویی به گفتگو با دیگر نظریه‌ها پرداخته و مدل او سنتز یا برآمده از این گفتگوهاست. رمبو تغییردین را چنین تعریف می‌کند: «تغییردینی عموماً تحت تاثیر مردم، نهادها، حوادث، ایدئولوژی‌ها، انتظارات و تجارب زندگی فرد رخ می‌دهد. اثر این عوامل در طی زمان متقابل و انباشتی است و از این رو بهتر است تغییردینی را فرایندی پیچیده دانست تا اتفاقی ناگهانی. گرچه ممکن است با حادثه‌ای خاص برانگیخته شده و در برخی موارد به تجربه تغییر ناگهانی منتهی شود، اما برای بیشتر مردم در طی زمان اتفاق می‌افتد. تغییردینی علت‌های گوناگون، فرایندهای مختلف و نتایج متنوعی دارد. از این رو شاید واژه converting^۲ واژه بهتری برای توصیف پدیدارشناسی فرایند باشد تا کلمه conversion که به پدیده‌ای ایستا اشاره دارد. اما برای وضوح، شکل اسمی این کلمه را به کار می‌بریم. باید در ذهن داشته باشیم که conversion به‌طور فعالانه‌ای توسط گروهی دینی و با آرزوها، انتظارات و امیدهای گرویدگان یا گروندگان بالقوه برساخته می‌شود» (رمبو، ۱۹۹۳: ۵-۷).

مدل رمبو، مدلی مرحله‌محور است که هفت مرحله را در تغییردین برمی‌شمارد: ۱- زمینه؛ ۲- بحران؛ ۳- جستجو؛ ۴- مواجهه حامیان و گروندگان؛ ۵- تعامل؛ ۶- تعهد؛ و ۷- نتایج. او به توصیف فرایند تغییردین پرداخته و از چگونگی پیوند مراحل و مفاهیم در چرایی رخداد

1 Understanding religious conversion

۲ متاسفانه در زبان فارسی برای این کلمات معادل‌های رسایی وجود ندارد که به خوبی وجوه وصفی فاعلی و فرایندمحوری آن را نشان دهند.

تغییر دین کمتر سخن می‌گوید. از این رو، با تاکید بر چهار مرحله نخست نظریه رمبو، آنرا مبنا و نقطه آغاز تحلیل داده‌های خویش قرار داده‌ایم. در عین حال، در فرایند تحلیل هرگاه نظریه رمبو مستقلا یا در ترکیب با دیگر نظریه‌ها وجه تبیینی یافته بر اساس دستاوردهای تبیینی پژوهش خویش به گفتگو با آن پرداخته‌ایم.

در مدل رمبو، نخستین مرحله زمینه است، جایی که بحران زائیده آن به شمار می‌رود. پس از بحران نوبت جستجو، یعنی مرحله‌ای است که در آن فرد پاسخی مناسب و درخور در ازای بحران یا به‌مثابه پاسخ به بحران به‌دست می‌آورد. تا بدین‌جا شاهد روندی عمومی هستیم، بدین معنی که همه افراد در زمینه قرار دارند و امکان دارد دچار بحران شوند و به دنبال پاسخی برای آن باشند. از این مرحله به بعد، یعنی مواجهه با دین جدید و مبلغان است که راه فرد گرونده از افرادی که پاسخ‌های دیگری در ازای بحران می‌دهند، جدا می‌گردد. مراد از تاکید بر این نکته این است که نفس تغییر دینی را باید به‌مثابه یک امکان یا انتخاب در مواجهه با بحران قلمداد کرد و از این رو، تحلیل این پدیده، صرفاً شناختی درباره تغییر دین به ما نمی‌دهد بلکه شکلی از مواجهه با بحران را در نزد افراد نشان می‌دهد که ارزش تحلیلی آن فراتر از حوزه مطالعات تغییر دینی یا حتی جامعه‌شناسی دین صرف است.

زمینه در نظر رمبو بستر تغییر است، عنصری که در کل فرایند یا مراحل تغییر دینی حضور و تداوم دارد. اما ما زمینه را به سه سطح مجزای زمینه خرد، زمینه متوسط و زمینه کلان تقسیم کرده و سطح روان‌شناختی فرد را که از نظر بحران، اهمیت به‌سزایی دارد به‌مثابه سطح خرد تعریف می‌کنیم و در باقی مراحل، ردپای زمینه کلان (ساختارهای اجتماعی- فرهنگی) را در اثرگذاری بر فرایند تغییر دین نشان خواهیم داد.

مفهوم بعدی رمبو بحران است که در حقیقت، زائیده زمینه است. رمبو بحران را شکاف در جهان مفروض و مسلم فرض می‌کند. ما برای تکمیل شناخت بحران آن‌را به دو نوع بحران معناشناختی که ماحصل اختلال معناشناختی است و بحرانی که ماحصل اختلال ساختاری یا غیرمعناشناختی است، تعریف کرده‌ایم.

نکته‌ای که باید در این‌جا بدان اشاره کرد آن است که تفکیک این دو نوع بحران، تفکیکی نظری است. از آنجا که بعد معناشناختی برای فرد به‌مثابه تبیین‌کننده و تعریف‌کننده تمام ابعاد زندگی فرد است، بحران ساختاری به راحتی قابلیت تبدیل به بحرانی معناشناختی را دارد.

همین‌طور، بحرانی معناشناختی برای فرد می‌تواند تبعات زیادی در حوزه ساختاری برجای گذارد، همان‌طور که مرگ نزدیکان می‌تواند به پرسش از معنای هستی و حیات بیانجامد، بحران معناشناختی نیز ممکن است باعث تغییرات عینی نظیر طلاق یا بحران شدید در روابط فرد با محیط و دوستان‌اش گردد. با این‌حال، همواره می‌توان مشخص نمود که کدام‌یک از انواع بحران قبل از تغییردینی‌گریبان‌گیر فرد بوده است.

برای این منظور باید سابقه و تاریخ پرسش‌های معناشناختی فرد را جستجو کنیم. اگر فرایند بحران معناشناختی را فرایندی انباشتی از تنش و تناقض در حیطه تعریف فرد از خود و جهان و معنای هستی در نظر گیریم، آن‌گاه هر قدر این فرایند پرسابقه‌تر باشد می‌توان گفت که بحران فرد، بحرانی معناشناختی بوده که اینک عاملی بیرونی یا حتی تنشی ساختاری آن‌را به مرحله بحرانی رسانده است. علاوه‌براین، باید سابقه تنش‌های ساختاری فرد و فرایند آن‌را نیز بررسی کرد.

مرحله سوم، جستجوگری است. رمبو معتقد است که «در مفهوم جستجو این فرض مستتر است که مردم در جستجوی معنادار کردن زندگی و زدودن جهل و حل ناسازگاری‌ها هستند. در شرایط غیرعادی یا بحرانی، این جستجو‌گریزناپذیر می‌شود ... جستجو فرایندی همیشگی و مداوم است، اما در زمان‌های بحرانی تشدید می‌شود». چنانچه مشخص است، مدل رمبو و در کل پارادایم معاصر بیشتر سوژه‌ها را به‌مثابه کنش‌گرانی فعال و آگاه در نظر می‌گیرد. از این‌رو، فرایند جستجوگری را مفروض و گرونده را سوژه‌ای فعال قلمداد می‌کند.

آخرین مفهوم مواجهه میان گروندگان و حامیان یا مبلغان دین جدید است. در این مرحله است که رمبو با نگاهی که به دیدگاه انتخاب عقلانی نزدیک می‌شود از منافع و امتیازات تغییردینی از سوی حامیان برای جذب افراد سخن می‌گوید؛ امتیازاتی چون ارائه نظام معناشناختی جهت معنادار کردن زندگی، اقناع عاطفی چه به‌واسطه آموزه‌ها و چه از طریق شکل‌گیری روابط در گروه جدید، آموختن تکنیک‌های زندگی، و وجود رهبری فرهمند در گروه که تجلی آموزه‌های جماعت دینی دانسته می‌شود. احساس قدرتمندی نیز از دیگر امتیازات تغییردینی است که ناشی از ارتباط با منبع بیرونی قدرت و تجلی درونی آن یعنی ایمان است.

روش تحقیق

روش انجام پژوهش، کیفی است و تکنیک‌هایی که برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است عبارت‌اند از: مشاهده و مصاحبه عمیق. در مصاحبه‌های انجام‌شده سعی شده تا با طرح سوال‌های بیشتر در اثنای گفتگو، امکان صحبت در خصوص موضوع و حواشی آن برای مصاحبه‌شوندگان فراهم آید. به این ترتیب به مصاحبه عمیق با ۱۷ نفر از گروندگان به مسیحیت پرداخته‌ایم، علاوه بر آن، ۴ مصاحبه نیز در مرحله مقدماتی و به‌عنوان pre-test انجام شده است، که در این میان ۵ نفر زن و باقی نمونه‌ها مرد بودند^۱.

جدول ۱. مشخصات نمونه‌های تحقیق

نام	سن	تحصیلات
داوود	۳۳	لیسانس
سینا	۲۳	لیسانس
مهکامه	۲۵	لیسانس
سعید	۲۲	دیپلم
گلناز	۳۵	لیسانس
شهرنوش	۴۶	دیپلم
عماد	۴۷	دیپلم
حامد	۳۳	لیسانس
بهراد	۳۵	لیسانس
کامران	۳۰	لیسانس
حبیب	۵۶	لیسانس

۱ در این پژوهش به دلیل دشواری دسترسی به نمونه‌ها و برانگیختن آن‌ها به مصاحبه، نمونه‌گیری نظری که مبتنی بر گزینش و دسترسی بلامانع به نمونه‌هاست، ممکن نشد. از این رو مبنای انتخاب گزینش تدریجی نمونه‌ها با معیار سهولت و امکان دسترسی است. در این پژوهش، نه صرفاً مساله سهولت، بلکه امکان دسترسی به نمونه‌ها نیز مطرح بوده است. یعنی محدودیت فراتر از سختی یا دشواری دسترسی به نمونه‌ها، از نظر زمانی بوده است. به این معنی که نمونه‌های یافت شده نه ساده‌ترین و سهل‌ترین نمونه‌ها از جهت دسترسی، که فقط نمونه‌هایی بوده‌اند که بنا به امکانات و روابط پژوهشگر در بازه زمانی انجام تحقیق (پس از دهمین انتخابات ریاست جمهوری) حاضر به انجام مصاحبه و گفتگو با محقق شده‌اند.

ادامه جدول ۱. مشخصات نمونه‌های تحقیق

نام	سن	تحصیلات
هادی	۴۹	دیپلم
سیامک	۳۰	لیسانس
معروفی	۹۱	فوق دیپلم
علی	۲۶	سیکل
شهلا	۵۲	لیسانس
هانی	۲۵	دیپلم

یافته‌های تحقیق

چنانچه در بخش نظری تصریح شد، داده‌ها با مرکزیت مفاهیم حساس پژوهش «زمینه»، «بحران»، اشکال جستجوگری و پیامدهای تغییردینی گردآوری و در نهایت دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند.

نخستین گام سنجش، بررسی زمینه زندگی گروندگان بوده است. در سطح خرد زمینه، «تعلقات طبقاتی فرد»، «نوع و میزان دین‌داری خانواده فرد» و «میزان مطالعه فرد» سنجیده شده‌اند. بدیهی است که سطح کلان که اشاره به وضعیت سیاسی-اجتماعی کشور دارد به‌عنوان پس‌زمینه مشترک میان همه گروندگان مفروض واقع شده است. نکته مهم آن است که طبق اظهارات نمونه‌ها، عموماً دین‌داران عرفی بودند که مطالعه یا جستجوگری در مورد دین مبدأ (اسلام) نداشتند.

جدول ۲: زمینه زندگی نمونه‌های تحقیق

نام	طبقه خانواده	شخصیت کودکی	مطالعه قبل از گروش	حوزه مطالعه	نوع دین‌داری خانواده
داوود	متوسط رو به بالا	فعال	بدون مطالعه	-	سنتی سهل‌گیر
سینا	متوسط رو به پایین	منزوی	بدون مطالعه	-	خداباور
مهکامه	متوسط	معمولی	کم	ادبیات	سنتی سهل‌گیر
سعید	متوسط	منزوی	زیاد	-	سنتی سهل‌گیر
گلناز	متوسط	معمولی	متوسط	سیاسی-اجتماعی، تاریخی	مذهبی-سنتی سهل‌گیر

بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تغییر دین از اسلام به مسیحیت ۴۷

ادامه جدول ۲. زمینه زندگی نمونه‌های تحقیق

نام	طبقه خانواده	شخصیت کودکی	مطالعه قبل از گروه	حوزه مطالعه	نوع دین‌داری خانواده
شهرنوش	متوسط	فعال	زیاد	سیاسی-اجتماعی، ادبیات	سنتی سخت‌گیر
عماد	متوسط رو به پایین	فعال	کم	متفرقه	مذهبی-سنتی سهل‌گیر
حامد	پایین	منزوی	زیاد	سیاسی-اجتماعی، ادبیات	سنتی سخت‌گیر
بهزاد	متوسط رو به بالا	معمولی	متوسط	تاریخی، متفرقه	خدا باور مذهبی-سنتی
کامران	متوسط	منزوی	متوسط	روانشناسی	سخت‌گیر
حبیب	متوسط رو به بالا	فعال	-	-	خدا باور
هادی	متوسط	فعال	زیاد	مذهبی، متفرقه	سنتی سهل‌گیر
سیامک	متوسط رو به پایین	منزوی	کم	متفرقه	سنتی سهل‌گیر
معروفی	متوسط رو به بالا	منزوی	کم	متفرقه	مذهبی-سنتی سهل‌گیر
علی	متوسط	معمولی	بدون مطالعه	-	خدا باور
شهاب	متوسط رو به پایین	فعال	بدون مطالعه	-	سنتی سهل‌گیر
هانی	متوسط	منزوی	زیاد	مذهبی، ادبیات	مذهبی-سنتی سخت‌گیر

بررسی نمونه‌ها از جهت بحران و نیز شکل جستجوگری و مواجهه یا دین جدید نشان می‌دهد که معدودی از نمونه‌ها، پیش از مواجهه با مسیحیت، بحران معناشناختی داشته و با جستجوگری در صدد انتخاب دین جدید برآمده‌اند و لذا گروه آنان به دین جدید، به‌کندی و به‌طور تدریجی به وقوع پیوسته است اما در باقی موارد اصولاً نمونه‌ها با بحران‌هایی غیرمعناشناختی (مانند مسائل اقتصادی، شکست عاطفی و ...) دست به گریبان بوده‌اند و همین امر آنان را در موقعیت پذیرندگی و انفعال دین جدید قرار داده است.

جدول ۳. بحران، جستجوگری، گروش در نمونه‌ها

نام	نوع بحران (معناشناختی و غیرمعناشناختی)	دسته بندی بر اساس جستجوگری	نوع مواجهه	شکل گروش	دلایل گروش
داوود	بحران معناشناختی پس از مواجهه	جستجوگری-پذیرندگی	بشارت	بلا فاصله	جذابیت کلیسا، عبادت و شیوه زندگی مسیحیان
سینا	طلاق والدین، بحران اقتصادی	منفعل	تصادفی	تدریجی	جذابیت کلیسا، عبادت و شیوه زندگی مسیحیان
مهکامه	بحران معناشناختی پس از مواجهه	-	کنجکاوی	تدریجی	جذابیت کلیسا، عبادت و شیوه زندگی مسیحیان، اطمینان اعتقاد، معنویت و معنابخشی به زندگی، برگزیده شدن
سعید	شکست در عشق، فوت پدر	جستجوگری-پذیرندگی	تصادفی	تدریجی	آرامش، اتکا، پناه‌جستن، مخالفت، مقاومت
گلناز	فوت پدر	جستجوگری-پذیرندگی	بشارت	تدریجی	آرامش، اتکا، پناه‌جستن، برگزیده شدن، مخالفت، مقاومت
شهرنوش	شکست در ازدواج، فوت پدر، بحران اقتصادی	جستجوگری-پذیرندگی	تصادفی	بلا فاصله	آرامش، اتکا، پناه‌جستن، برگزیده شدن
عماد	شکست در ازدواج، بحران اقتصادی	جستجوگری-پذیرندگی	بشارت	تدریجی	اعتقاد، معنویت و معنابخشی به زندگی، معجزه، شفا، حل مشکلات
حامد	شکست در عشق، بحران اقتصادی	جستجوگری-پذیرندگی	تصادفی	تدریجی	اعتقاد، معنویت و معنابخشی به زندگی، آرامش، اتکا، پناه‌جستن، مخالفت، مقاومت
بهزاد	شکست در عشق	جستجو-فعالانه	تصادفی	تدریجی	جذابیت کلیسا، عبادت و شیوه زندگی مسیحیان، ایمان

ادامه جدول ۳. بحران، جستجوگری، گروه در نمونه‌ها

نام	نوع بحران (معناشناختی و غیرمعناشناختی)	دسته بندی بر اساس جستجوگری	نوع مواجهه	شکل گروه	دلایل گروه
کامران	-	جستجو-فعالانه	کنجکاوی	تدریجی	ایمان
حبیب	بحران معناشناختی پس از مواجهه	جستجوگری-پذیرندگی	تصادفی	تدریجی	جذابیت کلیسا، عبادت و شیوه زندگی مسیحیان، معجزه، شفا، حل مشکلات
هادی	بحران معناشناختی قبل از مواجهه	جستجو-فعالانه	کنجکاوی	تدریجی	اعتقاد، معنویت و معنابخشی به زندگی
سیامک	شکست در عشق، بحران اقتصادی	جستجوگری-پذیرندگی	بشارت	بلا فاصله	جذابیت کلیسا، عبادت و شیوه زندگی مسیحیان، برگزیده شدن، ثمره و تحقق وعده‌ها
معروفی	بحران معناشناختی قبل از مواجهه	جستجوگری-پذیرندگی	بشارت	تدریجی	جذابیت کلیسا، عبادت و شیوه زندگی مسیحیان، ثمره و تحقق وعده‌ها
علی	بحران معناشناختی قبل از مواجهه	جستجوگری-پذیرندگی	بشارت	تدریجی	اعتقاد، معنویت و معنابخشی به زندگی
شهلا	شکست در ازدواج، بحران اقتصادی	منفعل	تصادفی	بلا فاصله	معجزه، شفا، حل مشکلات
هانی	طلاق والدین، بحران اقتصادی	جستجو-فعالانه	کنجکاوی	تدریجی	آرامش، اتکا، پناه‌جستن

در بررسی پیامدهای تغییردین برای گروندگان، اثرات تغییردینی را از چهار وجه «تأثیرات روحی-روانی»، «تغییر الگوهای رفتاری»، «نحوه مواجهه با مسائل و مشکلات» و «برنامه برای آینده» بررسی کرده‌ایم.

نام	تأثیرات مثبت روحی روانی گروه	الگوی رفتاری تحقق یافته	نحوه مواجهه با مشکلات	برنامه و نگاه به آینده
داوود	آرامش، پاک شدن	ترک دروغ، ترک غرور، ترک غیبت، ترک ناسزا، ترک هرزگی	احساس قدرت مواجهه، پشت‌گرمی به علم و همراهی خدا، برکت خداوند و رفع مشکلات	خارج برای رشد معنوی
سینا	پر شدن خلاء، اطمینان	-	برکت خداوند و رفع مشکلات	ادامه تحصیل، خارج برای ادامه تحصیل دینی
مهکامه	پر شدن خلاء، اطمینان	بدون تغییر	احساس قدرت مواجهه، پشت‌گرمی به علم و همراهی خدا	خارج برای ادامه تحصیل دینی
سعید	آرامش، امید، آشنایی با لذت‌های معنوی، پر شدن خلاء، اطمینان	دوست‌داشتن دیگران، ترک تجمل	برکت خداوند و رفع مشکلات	خادمی کلیسا
گلناز	آرامش، صبر	نرم‌خویی و گذشت	احساس قدرت مواجهه، پشت‌گرمی به علم و همراهی خدا	-
شهرنوش	آرامش، اطمینان	نرم‌خویی و گذشت	تغییر تعریف مساله، توکل و سپردن به خدا	بی‌برنامه و سرسپرده به اراده خدا به کمال رساندن
عماد	امید، پاک شدن	ترک هرزگی	تغییر تعریف مساله، توکل و سپردن به خدا	ایمان، انجام درست تعهدات نقشی (پدیری، مادری)
حامد	آرامش، صبر، تسلی	نرم‌خویی و گذشت	تغییر تعریف مساله، احساس قدرت مواجهه، پشت‌گرمی به علم و همراهی خدا	ادامه تحصیل

بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تغییر دین از اسلام به مسیحیت ۵۱

نام	تأثیرات مثبت روحی روانی گروه	الگوی رفتاری تحقق یافته	نحوه مواجهه با مشکلات	برنامه و نگاه به آینده
بهزاد	-	بدون تغییر	تغییر تعریف مساله	بی‌برنامه و سرسپرده به اراده خدا
کامران	-	بهتر (کلی)	احساس قدرت مواجهه، پشت‌گرمی به علم و همراهی خدا	تربیت فرزندان مسیحی
حبیب	دگرگونی شخصیت، آرامش	دوست‌داشتن دیگران، ترک غرور، ترک دروغ، ترک نفرت	احساس قدرت مواجهه، پشت‌گرمی به علم و همراهی خدا	بی‌برنامه و سرسپرده به اراده خدا، به کمال رساندن ایمان
هادی	آرامش، آشنایی با لذت‌های معنوی، دگرگونی شخصیت	بهتر (کلی)، ترک هرزگی	-	-
سیامک	امید، اطمینان، آرامش	ترک مشروب و سیگار، ترک دروغ، بهتر (کلی)	تغییر تعریف مساله، توکل و سپردن به خدا	به کمال رساندن ایمان
معروفی	آرامش	بهتر (کلی)، ترک غیبت، کمک‌کردن به دیگران	احساس قدرت مواجهه، پشت‌گرمی به علم و همراهی خدا	بی‌برنامه و سرسپرده به اراده خدا
علی	آرامش، شادی	نرم‌خویی و گذشت، دوست‌داشتن دیگران	احساس قدرت مواجهه، پشت‌گرمی به علم و همراهی خدا، توکل و سپردن به خدا	بی‌برنامه و سرسپرده به اراده خدا، انجام درست تعهدات نقشی (پدری، مادری)
شهلا	امید، اطمینان، شادی	نرم‌خویی و گذشت، کمک‌کردن به دیگران	انتظار اجازه خدا برای اقدام، توکل و سپردن به خدا، برکت خداوند و رفع مشکلات	-
هانی	آرامش، پاک‌شدن	ترک دروغ، ترک آزار، کمک‌کردن به دیگران	-	خادمی کلیسا

با توجه به این مقدمات، در پاسخ به پرسش چرایی تغییر دین، مجموعه‌ای از دلایل را می‌توان با استناد به اظهارات نمونه‌ها دریافت.

۱. بحران و پاسخ معناشناختی به مثابه تغییر سطح مساله

○ تغییر سطح مساله: بحران غیرمعناشناختی و پاسخ معناشناختی

«طلاق گرفتم، خیلی تنها بودم. خیلی فشار بهم می‌اومد. بعد خیلی باورهام از بین رفته بود ... من تو خلوت خودم تو تاریکی بالش رو گذاشته بودم روی دهنم، فقط جیغ می‌زدم، که کسی صدامو نشنوه. که تو کی هستی؟ اون‌کی که الان هست چیه ... باورتون همیشه صدایی گفت من هستم، من مسیح هستم. همین. دیگه هیچی نشنیدم»^۱

بحران را هرگونه فاصله میان وضع موجود و شرایط مطلوب دانستیم و گفتیم که بحران دو شکل معناشناختی یا غیرمعناشناختی دارد. بحران معناشناختی به پرسش از وجود خدا و نسبت رابطه فرد و خداوند برمی‌گردد، بحران غیرمعناشناختی نیز هر بحرانی است که پرسش اصلی و محوری آن، پرسش از معنا و ایمان نباشد. در ذیل این بحران، می‌توان به بحران اقتصادی و بحران‌های آسیب‌شناختی به‌عنوان شایع‌ترین بحران‌های غیرمعناشناختی در نمونه‌ها اشاره کرد. چنین بحرانی می‌تواند پیش یا پس از تماس و آشنایی با دین جدید رخ دهد. در مواردی مشاهده شد که نمونه‌ها هیچ بحران معناشناختی یا غیر آن‌را در زندگی نداشته‌اند و پس از مواجهه با دین جدید و دریافت تصویری از وضعیت مطلوب در دین جدید به تامل و تردید در وضعیت فعلی خود پرداخته و نقطه بحرانی یا موتور فرایند تغییر دین آن‌ها به‌کار افتاده است.

روشن است که پرسش معناشناختی در طلب پاسخ معناشناختی است اما چرا بحران غیرمعناشناختی در نمونه‌ها منجر به جستجوی پاسخ معناشناختی و تغییر سطح مساله می‌شود؟ در جواب، باید به قدرت پاسخ معناشناختی و کارکردهای دین در چنین مواقعی اشاره کرد. بررسی پیامدهای تغییر دین برای گروندگان مانند «آرامش» و «اطمینان»، گواه آشکاری برای تأیید موقعیت معضله‌مند آنان و اطفای نیازها در دین جدید بود. افراد تغییر دین می‌دهند زیرا از بحران‌های غیرمعناشناختی رنج می‌برند و در جستجوی مفر یا پاسخی برای موقعیت معضله‌مند خود می‌گردند و به محض مواجهه با دین جدید که وعده رستگاری و نجات می‌دهد، پاسخ معناشناختی را برای بحران‌های غیرمعناشناختی خویش بر می‌گزینند.

۱ برگرفته از متن مصاحبه گروندگان

۲. آغوش مسیح برای گران باران^۱

اما مسأله مهم این است که چرا افراد، پاسخ معناشناختی را در دین دیگری چون مسیحیت باز می‌جویند و نه در دین پیشین خود (اسلام)؟ برای پاسخ‌گویی به این مهم، مقایسه میان آموزه‌های مسیحیت و اسلام از یک سو و نیز اشکال تعین اجتماعی و تاریخی آن‌ها برای گروندگان از سوی دیگر، دلایل جذابیت و ترجیح مسیحیت بر اسلام به شمار می‌رفتند.

مسیحیت در ساختار و محتوای دینی خود، امکانی را برای گروندگان (به نظر ایشان) فراهم می‌آورد که در دین اسلام وجود ندارد یا بسیار کم‌رنگ است. «ایمان‌گرایی» در مقابل «شریعت‌گرایی» یکی از نخستین اختلافات و دلیل ترجیح مسیحیت بر اسلام به گفته نمونه‌هاست.

برخلاف دین اسلام که شریعت در هیچ حالی از عهده فرد ساقط نمی‌شود، ساختار مسیحیت یعنی فقدان شریعت و ابتنا بر مفهوم ایمان، امکان رابطه نزدیک و بی‌واسطه‌ای را برای گروندگان با خداوند فراهم می‌کند.

اما چرا شریعت‌گرایی اسلامی چنین برجسته می‌شود و ایمان‌گرایی مسیحی چه کارکردی برای آنان دارد؟ شریعت در نظر گروندگان مترادف با قانون و از این رو ابلاغ‌شده از بالا و از سوی خدایی است که به تفاوت‌های افراد و زمینه اجرای قوانین چندان التفاتی ندارد و لذا پلکان نزدیکی به خدا، شریعتی خشک و بی‌روح فرض می‌شود. گرچه در اسلام نیز امکان برقراری رابطه با خداوند در هر لحظه و هر مکان و با هر لفظی وجود دارد اما ایمان، مازاد شریعت است و اسطقس، شریعتی است که با روح ایمان پر می‌شود. در مقابل، ایمان‌گرایی مسیحی به رابطه فرد با خدا سیالیت و فرمی دل‌بخوایی بخشیده و او را خدایی همواره نزدیک و در دسترس می‌سازد.

هم‌چنین آموزه تثلیث یا سه‌گانگی خدا در عین یگانگی، وجوهی افزون بر خدای اسلام نزد آنان تصویر می‌کند. خدای پدر، معادل قادر مطلق یا خدای اسلام است اما خدای پسر یا همان مسیح، تجسد انسانی خداوند در نزد مسیحیان است؛ همچنین روح القدس وجه سوم است که پس از ایمان مسیحی در فرد ساکن شده و به عوض شریعت، راهنمایی و هدایت فرد را به عهده می‌گیرد. خدای پسر و روح القدس عناصر حمایت‌گر ایمان مسیحی به شمار می‌روند. این

^۱ «نزد من آید ای تمامی گنه‌کاران و گران باران جهان، تا شما را آرامی بخشم». متی ۱۱:۲۸

وضعیت، تصویر خداوند را نزد آنان دگرگون می‌سازد؛ خدای دور بدل به خدایی نزدیک می‌شود. خدایی که در عین اقتدار و قدرت که شرط لازم امکان حمایت‌گری و تسلی است (خدای پدر)، رنج‌کشیده و حمایت‌گر نیز هست (خدای پسر و روح‌القدس). خدایی که به زمین می‌آید و چونان افراد بشر می‌زید و رنج می‌کشد و موقعیت همدلانه‌تری نسبت به بندگان معضله‌مند و رنج‌کشیده خویش دارد و آغوش گرم و حمایت‌گر او (به تعبیر روان‌کاوانه، آغوش مادرانه) به روی تمامی فرزندان خویش و نه بندگان‌اش گشوده است.

پیتر استرومبرگ از تناسب زندگی شخصی و نظام الهیاتی بحث می‌کند. او از «نقطه‌تاثیر» سخن می‌گوید؛ نقطه‌ای که در آن، روایت دینی با جنبه شخصی زندگی فردی پیوند یافته و درونی می‌شود. هنگامی که گرونده بالقوه، ارتباط و عطف یا داستان را با زندگی خویش درمی‌یابد، تلفیقی رخ می‌دهد که نظام الهیاتی را در سطح انسانی برای فردی خاص، معنادار می‌سازد. سمبل‌های دینی تجارب زندگی شخص را تعبیر می‌کنند. در این منظر، نظام نمادی جدید، معقول و معنادار و جذاب می‌شود و گرونده قادر است با این نظام، همسان‌پنداری کرده و آن را از آن خود کند. چنان‌که می‌بینیم مبتنی بر این دیدگاه است که موقعیت معضله‌مند گروندگان، در طرح داستانی مسیحیت جای خود را باز می‌یابد و از این‌رو افراد در رابطه‌ای شخصی با مسیح قرار می‌گیرند. جملاتی چون «مسیح برام عزیزه»، «مسیح عشقه» و ... گویای چنین رابطه‌ای هستند.

شایان ذکر است که ساکن‌شدن روح‌القدس در افراد پس از ایمان مسیحی، وجه سوژه‌گی یا نفس را در آن‌ها زایل می‌سازد، زیرا مقوله اعتماد به خداوند یا روح‌القدس جایگزین اعتمادبه‌نفس یا خود افراد می‌شود که این مسأله امکان مواجهه بالغانه با مسائل یا بحران‌های زندگی را که ضرورت‌اش اتکای به نفس است از فرد می‌گیرد. تا این حد که نفس از این به بعد میل یا نگرش خاصی ندارد، که بر اساس آن ادامه حیات دهد، از این‌رو در بسیاری از نمونه‌ها می‌بینیم که یا مشخصاً «هیچ برنامه‌ای برای آینده ندارند»، یا «برنامه آینده خود را به‌دست خدا سپرده اند»، یا تنها برنامه‌شان «به کمال رساندن ایمان خویش» است. این امر به خوبی نشان می‌دهد که چگونه در گروه به مسیحیت، تغییر سطح از بحران غیرمعناشناختی به سطح معناشناختی اتفاق می‌افتد.

اما این همه تاکید بر شریعت در مقابل ایمان از آن رو درخور توجه است که به خوبی نیاز گروندگان به حمایت و رابطه عاطفی بلاواسطه را نمایان می‌سازد. شریعت اسلامی، به نوعی، رابطه با خداوند را با واسطه اعمال فراهم ساخته و آن را مشروط می‌سازد، در حالی که ایمان مسیحی جز رابطه قلبی و ایمان به خداوند چیز دیگری را طلب نمی‌کند. محتوای خاص ادبیات مسیحی یعنی تاکید بسیار بر محبت خداوند نسبت به انسان و بخشش پیشینی آنان به فیض، پذیرای گروندگان خصوصاً با زمینه بحران غیرمعناشناختی است. استعاره چهره ژانوسی خداوند، در این‌جا نشان سیمای مادرانه پدر مقتدر است.

مابه‌ازای رابطه محبت‌آمیز با مسیح یا خداوند در مسیحیت، را می‌توان در رابطه عاطفی مسلمانان با امامان شیعی بازجست؛ با این تفاوت که هرگاه فرد [مسلمان] در ایمان یا شناخت‌اش نسبت به خداوند دچار تردید شود، به علت جایگاه ائمه (ع) در سلسله مراتب ساختار شیعی [جایگاهی که محوریت آن خداوند، بعد رسول خدا(ص) و متن مقدس (قرآن) و سپس ائمه اطهار است]، قادر به ترمیم رابطه مخدوش نیست و محبت فرد نسبت به ائمه (علیهم‌السلام) منجر به بازسازی پیوندهای ایمانی یا شناختی فرد نسبت به خداوند و دین اسلام نمی‌شود.

حال پرسش این‌جاست که چه لزومی دارد فرد، ایمان‌گرایی یا بازتعریف عناصر ایمانی به دل‌خواه خویش را به فرمی رسمی چون مسیحیت تبدیل کند؟ صورت دیگر این پرسش آن است که چرا افراد به مسیحیت و نه جنبش‌های دینی جدید می‌پیوندند؟ ایمان‌گرایی به تعبیر ما، چنانکه گفتیم مستلزم بازتعریف عناصر ایمانی است و از این‌رو گرچه عناصر ایمان خویش را از منبعی^۱ دینی می‌ستانند اما نهایتاً برساختی شخصی است. اگر بپذیریم که در جنبش‌های دینی جدید، التقاط عناصر مختلف دینی و غیردینی، آزادی و فردیت بیشتری به فرد می‌بخشد، پس در ازای امکان بروز بیشتر خود و فردیت، از قطعیت و معنابخشی ایمان‌گرایی یا جنبش‌های دینی جدید کاسته می‌شود و از این‌رو، کارایی آن‌ها در موقعیت‌های بحرانی یا مواجهه با مسائل زندگی کاهش می‌یابد. لذا می‌توان ادعا کرد گروندگان به مسیحیت نسبت به جنبش‌های دینی جدید

1 source

افرادی معضله‌مندترند^۱ که نیازمند چارچوب تثبیت‌شده و معتبری برای مراجعه هستند تا چیزی از جنس ایمان‌گرایی یا جنبش‌های دینی جدید.

۳. مسأله دین اجتماعی و آرمان‌شهر^۲ مسیحی

«اسلام دینیه که خیلی اطلاعات بهت می‌ده، می‌دونی؟ رادیو، تلویزیون، روزنامه، حرف

و صحبت».

مقایسه‌گروندگان از اسلام و مسیحیت، به آموزه‌ها و ساختار دو دین محدود نشده و قیاسی نیز میان تحقق اجتماعی اسلام و تصویر یوتوپیک آنان از مسیحیت رخ می‌دهد. منظور از «دین اجتماعی» پیوند دین با سرگذشت شخصی فرد، یعنی متنی است که در آن زندگی فرد با همه کمی‌ها و کاستی‌ها رخ داده و نیز نمود دین [اسلام] در رفتار و گفتار پیروانش یعنی اطرافیان فرد است. قیاس میان اسلام و مسیحیت مبتنی بر مراجعه به منابع معتبر دو دین نیست، بلکه در فقدان شناخت کافی از هر دو دین، قیاس نابرابری میان تحقق اجتماعی و گاه تاریخی اسلام (امر بالفعل) از یک‌سو و یوتوپای مسیحی (امر ایده‌آل) از سوی دیگر شکل می‌گیرد.

در شرایطی که نمونه‌ها عموماً افرادی با سرمایه مذهبی اندک و در واقع غیرمذهبی هستند و مذهب نیز هم‌بسته محیط اجتماعی است، هرگونه تنش با محیط اجتماعی به دین هم تسری می‌یابد. از این رو می‌بینیم که در شرایطی که افراد دچار بحران‌های غیرمعناشناختی می‌شوند، به دین دیگری پناه می‌برند. زیرا دین در صورتی کارکردهای حمایتی خود را حفظ خواهد کرد که فاصله‌ای با امر اجتماعی داشته باشد. هنگامی که دین با امر اجتماعی یکی و آمیخته می‌شود نمی‌تواند به خوبی از افراد در برابر تنش‌های محیطی که این همان با خود است، حفاظت و حمایت کند.

واژه پرکاربرد «ثمره» از سوی نوایمانان مسیحی که منظور از آن، تاثیر و نمود ایمان در زندگی فرد است، تائیدی بر این مدعاست. در فقدان شناخت کافی از منابع و سرچشمه‌های اصیل دو دین، آنچه مبنای ارزیابی قرار می‌گیرد بازنمود آن در رفتار و گفتار پیروان یا مومنان به آن دین است. تاکید بر ثمره‌داشتن دین است که به افراد اجازه می‌دهد نمود اجتماعی یا گاه تاریخی دین را با خود آن، یکی کرده و بدین ترتیب آن‌را زیر سوال ببرند یا بستایند. از سوی

1 problematic

2 utopia

دیگر، برای فرد بحران‌زده است که نتایج و پیامدها و یا ثمرات ایمان مانند آرامش اهمیت می‌یابد. پس بار دیگر به‌طور مضمربر موقعیت معضلمند آنان صحنه گذاشته می‌شود.

۴. دیگری مضاعف و اغوای تفاوت

نخستین روابط فرد با کلیسا به‌واسطه شرکت در دوره‌های مقدماتی الهیات مسیحی و انجام مناسکی چون روزهای دعا و پرستش شکل می‌گیرد. با گذراندن دوره مقدماتی الهیات است که فرد به هویت اولیه یا شناسایی نخستین توسط جماعت جدید دست می‌یابد. با حضور در جلسات آموزش مقدماتی، فرد با کتاب مقدس، نظام معنایی، زبان و واژگان غایی گروه آشنا می‌شود. روابط با گروه باعث احساس تعلق و وابستگی به گروه شده و شخص از جانب گروه احساس پذیرش می‌کند؛ این روابط خصوصاً کارکردی جبرانی برای آن‌هایی دارد که در زندگی از محرومیت عاطفی رنج برده‌اند.

علی‌رغم رفت‌وآمد گروندگان به محیط کلیسا، به دلیل حضور یا تصور حضور دائمی افراد نفوذی در کلیسا جو بی‌اعتمادی‌ای بر محیط حاکم است، زیرا کلیسا نمی‌تواند تضمین کند که کلیساروندگان ایمان‌داران واقعی‌اند یا به‌دلایل دیگری به کلیسا آمده‌اند. از این‌رو، افراد ترغیب می‌شوند که در برقراری روابط با دیگران محتاط باشند. اصطلاح «بره‌های مسیح» که به ایمان‌داران مسیحی اطلاق می‌شود، عینیتی تام به این مسأله می‌بخشد. مقامات کلیسایی نیز خود به‌سختی به ایمان‌داران اعتماد می‌کنند، مگر اینکه فرد به مرور زمان بتواند اعتمادی را به خود جلب کند که این اعتماد هم هر لحظه امکان نقض شدن‌اش از جانب دو طرف وجود دارد. پس در فقدان اعتماد که رکن اصلی مفهوم «سرمایه اجتماعی» است، آنچه می‌تواند شکل‌گیرد یا شکل می‌گیرد آشکال فردی رابطه‌دوستانه گروندگان با یکدیگر است. دستاوردهای فردی تنها دستاوردهای رابطه‌ای ممکن در کلیسایند؛ زیرا کلیسا به علت فشار و محدودیت‌های بیرونی قادر به تشکیل جماعت سازمان‌یافته‌ای نیست.

در اینجا می‌توان پرسید در فقدان سرمایه اجتماعی در کلیساها، مسیحی‌شدن افراد و حضور در کلیسا به غیر از شکل‌گیری روابط دوستانه فردی، چه امکان یا کارکرد دیگری برای گروندگان دارد؟

گفتیم که گروندگان عموماً در موقعیت «حذف ادغامی» هستند. بدین معنا که موقعیتی حاشیه‌ای در جامعه داشته و از دایره حمایت اجتماعی بیرون افتاده‌اند اما این موقعیت

دیگری بودن آن‌ها، در کلیت اجتماعی محو است و هیچ تمایزی ندارد. به عبارت بهتر، در عین دیگری بودن، جامعه دیگری بودن آن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد و بر تمایز آن‌ها سرپوش گذاشته می‌شود. از این رو، می‌توان گفت که این افراد در موقعیت حذف ادغامی هستند. مسیحی شدن با عدم امکان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی، دیگری بودن آن‌ها را تشدید می‌کند، یعنی دیگری گمنام با پذیرش مسیحیت، بدل به دیگری مضاعف می‌گردد و بدین ترتیب هویت نامتعیین فرد، هویتی متعین به‌عنوان گرونده و نوایمان مسیحی می‌یابد؛ یعنی در مقابل حذف ادغامی کل سیستم، با برجسته کردن نامسلمانی خود، خود را تمایزگذاری می‌کنند. اگر اسلام را یکی از مولفه‌های مهم هویت ایرانی بدانیم، خروج از اسلام و پذیرش هویت مسیحی شکلی از مقاومت در برابر موقعیت خود در جامعه (حذف ادغامی)، ایدئولوژی اسلامی و مجازات‌های مقرر برای تغییردین را نشان می‌دهد. مقاومت به معنای عدم‌پذیرش این وضعیت است. وجه دیگر دیگری شدن البته پاسخی است به وضعیت بحرانی و تأییدنشده فرد. او وارد جماعت و هویتی می‌شود که خصلت به‌رسمیت‌شناسی، ادغام و حمایت دارد. به‌رسمیت‌شناسی، این‌جا به-جز معنای عضویت که مبتنی بر هویت است، به‌رسمیت‌شناختن ضعف‌های افراد آسیب‌دیده هم هست و از این رو نفس به‌رسمیت‌شناسی، نوعی تسلا و تسکین نیز هست. بدین معنا، مسیحی شدن برای این افراد هم تسکین دردهاست و هم درمان آن‌ها.

نکته تامل‌برانگیز آن است که گروندگان تا پیش از مسیحی شدن نیز انتقاداتی به اسلام یا رفتار پیروان آن دارند، اما این نقد یا انتقاد از منظری درون‌گروهی و عمدتاً با خواست رفع و بهبود آن انجام می‌گیرد، اما پس از مسیحی شدن، خوانش مسیحی از اسلام، تخالف افراد نسبت به اسلام را دوچندان می‌سازد. زیرا در روایت مسیحیت از داستان آفرینش و جهان، تولد و مصلوب شدن مسیح، پایان منطقی طرح خلقت به شمار رفته و مسیح با مرگ خود فدیۀ گناهان بشر را می‌پردازد. پس به‌زعم آنان، آمدن هر نبی یا رسول دیگری منطقی بی‌معنا و ناممکن است. برای زدودن این چهره تقابلی مسیحیت در برابر اسلام است که می‌بینیم اکثر گروندگان از پذیرش مسیحیت به‌عنوان دین، سرباز زده و آن‌را روشی نو برای زندگی کردن می‌دانند. بدین ترتیب است که می‌بینیم تناقضی میان پذیرش مسیحیت و کسب هویت مسیحی برای تکیه‌گذاران بر تمایز خود با جامعه از یک‌سو و تلاش برای زدودن چهره تقابلی آن در برابر اسلام از سوی دیگر وجود دارد.

در نمونه‌های بحران پس از مواجهه^۱ عمدتاً، اگزوتیسم یا جذابیت امر متفاوت (مسیحیان) مهم‌ترین دلیل تغییر دین افراد می‌شود. اگزوتیسم در گروندگان متضمن سه سطح است: در اولین سطح، نمود اجتماعی دین اسلام که در پیش اشاره شد با شکل تحقق‌نیافته مسیحیت در مقیاس کلان در ایران مقایسه می‌شود. به عبارت بهتر، در این سطح، مقایسه میان امر واقع [اسلام] و امر ایده‌آل [مسیحیت] است. بدیهی است که امر یوتوپیک به‌طور عام و برای نمونه‌های معضله‌مند به‌طور خاص همواره پیروز و مرجح است. در دومین سطح، مقایسه میان زندگی اقلیت مسیحی در ایران و اکثریت مسلمان انجام می‌شود. ربا و دروغ، عبادت سوگوارانه و مساجد اسلامی در مقابل صداقت، پرستش با شادی و سرود و فضای کلیسا قرار می‌گیرند. سومین سطح، به مقایسه میان اشکال تحقق مسیحیت در جوامع غربی و اروپا، و کشورهای اسلامی به‌عنوان تعیین اسلام برمی‌گردد. اگزوتیسم در معنای آخر، مبتنی بر شیفتگی به پروژه مدرنیزاسیون و هژمونی پیشرفت غرب است نه طنز کنایی‌ای^۲ که در اگزوتیسم غربیان نسبت به مثلاً قبایل افریقایی وجود دارد. اگزوتیسم در گروندگان را می‌توان واکنشی در برابر خواست جامعه مبنی بر هم‌نوایی یا یک‌دست‌کردن افراد برشمرد. جامعه‌ای که تلاش می‌کند تا با حذف تمایزات افراد، اقلیتی به اسم «خودی» را هژمونیک ساخته و خارج از این فرم دیگرانی خواهند بود که از چتر حمایت اجتماعی بیرون مانده‌اند.

جمع‌بندی

ویر نشان داده است که دین در برهه‌های مهم تاریخ، اغلب انقلابی‌ترین قدرت‌هاست. هنگامی که سنت‌ها و نهادها متصلب و سرکوب‌گر می‌شوند، یا هنگامی که ناسازگاری صداها و قیل‌وقال ضدونقیض عقاید، تحمل‌ناپذیر می‌گردند، انسان‌ها به جستجوی پاسخ‌هایی نو می‌روند و چون دین در جستجوی معانی زندگی در عمیق‌ترین سطوح هستی است، به پیشروترین واکنش بدل می‌شود. اما آیا می‌توان تغییر دین و انتخاب مسیحیت را چیزی از این دست دانست؟ در مبحث چهارچوب مفهومی اشاره کردیم که نفس تغییر دین به‌مثابه یک انتخاب یا امکان در مواجهه با بحران، بازنمای شکلی از مواجهه با بحران میان افراد جامعه است و ارزشی تحلیلی

۱ در تقسیم بندی «بحران» اشاره کردیم که بحران‌های افراد می‌تواند معناشناختی یا غیرمعناشناختی بوده و به‌لحاظ زمانی پیش یا پس از مواجهه با دین جدید رخ دهد.

فراتر از حوزه تغییردینی و حتی جامعه‌شناسی دین دارد. در اینجا بار دیگر به مفاهیم تسکین و درمان بازمی‌گردیم و آن‌ها را در نسبتی دقیق‌تر با تغییردین بررسی می‌کنیم. پیش‌تر گفتیم در اکثر موارد، مسیحیت برای نمونه‌ها نه جنبه تسکین، که وجه درمانی یافته و از این رو، به عملی نابالغانه و پس‌روانه بدل می‌شود. تسکین‌دهندگی، خصلت عمومی ادیان در مواجهه با مصائب و مشکلات زندگی است. اما هنگامی که ایمان مسیحی با تغییر نگاه فرد به جهان او را آماده تحمل رنج‌ها و مسائل بیشتری می‌گرداند، تسکین که خصلت موقتی دارد تبدیل به پاسخی بلند مدت یا درمان می‌گردد. درمان یعنی آنکه نگاه فرد نسبت به موقعیت بحرانی تغییر کند. اما تسکین، مرحله اولیه و لازمی است تا فرد در پناه آن بتواند برای معضل خود چاره‌اندیشی و اقدام کند.

در ادبیات مسیحی شر بازتعریف می‌شود بدین معنا که شر نه ناشی از خواست و اراده الهی بلکه آن‌جایی است که ملکوت خداوند حضور نداشته باشد. پس از یک‌سو، گناه‌کاران و گران‌باران پذیرفته می‌شوند و از سوی دیگر، موقعیت آن‌ها معنا می‌شود. در واقع، به یاری ادبیات مسیحی، مساله بازتعریف می‌شود، چنانچه در مواجهه با مشکلات دیدیم در اکثر نمونه‌های پژوهش، مسائل زندگی مرتفع نشده، اما نوع نگاه و مواجهه آنان با مسائل تغییر یافته است. تعبیری چون «آزمون الهی»، «دوخته‌شدن نگاه پرمحبت خداوند به مردمان و نظاره‌گر صبوری و مرارت ایشان در زندگی»، «یا به پای صلیب بردن مسائل خود»، همه اشکالی از چنین بازتعریفی در صورت مساله را نشان می‌دهند.

مسیحیت، علاوه بر درمان، فرد را نسبت به دردهای دیگر نیز واکنش می‌دهد. به این معنی که خود، وعده دردهای بیشتری را می‌دهد و از این رو، فرد را نسبت به مسائل آینده واکنش‌پذیر یا مقاوم می‌سازد. مسیح پیش‌جویانه وعده می‌دهد که ایمان‌داران پس از ایمان به او، سختی‌های زیادی خواهند کشید. از این رو، بروز مشکلات پس از ایمان به مسیح، علاوه بر دشواری، با شیرینی تحقق وعده مسیح نیز همراه است. در چنین چرخه‌ای از حضور یا بروز دوباره مسائل و تحقق وعده، ایمان مسیحی تشدید و بازتولید می‌شود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد برخلاف گفته‌های رمبو و سایر نظریه‌پردازان رهیافت مدرن که گروندگان را عاملی فعال در فرایند تغییردینی می‌دانند، گروندگان اغلب با زمینه بحرانی و پرسش‌های غیرمعناشناختی به دین روی آورده‌اند. انتخاب دین جدید هم نه ماحصل جستجوی

فعالانه و تلاش شخصی برای مراجعه به منابع شناختی میان دو دین، که متاثر از مقایسه تحقیق اجتماعی دین قبلی و یوتوپیا و اغوای دین جدید است.

منابع

- انجیل عیسی مسیح (ع)، ترجمه هزاره نو.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۴). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: نشر نی.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. *فصلنامه علوم اجتماعی*. ش ۱۷.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. مترجم هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- کاستلز، امانوئل. (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات، قدرت هویت*. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Atkinson, P. & Silverman, D. (1997). Kundera's Immortality: The interview society and the invention of self. *Qualitative inquiry*, 3.
- Fontana, A & H. Frey, J. (2000). *The Interview: From structured Questions to Negotiated Text*. In N. Denzin & Y.S Linclon (eds), *Handbook of qualitative research* (2n edition). London: SAGE.
- Granqvist, Pehr. (2003). Attachment Theory and Religious Conversions: A Review and a Resolution of the Classic and Contemporary Paradigm Chasm. *Review of Religious Research*. 2: 172-187.
- Pitulac, Tudor & Nastuta, Sebastian. (2007). choosing to be stigmatized: rational calculus in religious conversion. *JSRI*. no 16- spring (www.jsri.ro).
- Rambo, Lewis R. (1993). *Understanding of Religious Conversion*. New York: Yale University Press.
- Richardson, James T. (1978). *Conversion Careers: In and Out of New Religions*. Beverly Hills: Sage Publication.